

مقدمه

یکی از جلوه‌های جنگ نرم بر علیه انقلاب اسلامی ایران، سیل شبهات سیاسی است که از طرق مختلف به صورت بی‌وقفه، انقلاب و ملت ایران را هدف قرار داده است. در این بخش از کتاب به برخی شبهات سیاسی رایج و پر تکرار در فضای مجازی و حقیقی پیرامون انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم.

شبهه ۱۲: اظهار نارضایتی با وجود دستاوردهای کلان انقلاب

چرا با وجود دستاوردها و تلاش‌های غیرقابل انکاری که از سوی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی کشیده می‌شود عده‌ای از مردم و حتی نخبگان از وضعیت موجود اظهار نارضایتی می‌کنند؟

پاسخ شبهه:

باید گفت ، عوامل متعددی در این قضاوت منفی دخیل بوده است.

از جمله:

۱. تغییر الگوی مصرف جامعه

تغییر الگوی مصرف جامعه و بهتر شدن نسبی سطح زندگی مردم، به‌خصوص از دهه دوم انقلاب به بعد که به تدریج باعث افزایش سطح انتظارات آنان از زندگی شده است.

۶۸ ❖ شبهات پرتکرار انقلاب اسلامی

۲. افزایش چشمگیر سطح آگاهی‌های اجتماعی و اقتصادی

افزایش چشمگیر سطح آگاهی‌های اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه پس از انقلاب و در نتیجه، آرمان‌گرایی و توجه بیشتر آنان به نقاط ضعف و نارسایی‌های وضع موجود به‌جای توجه به نقاط قوت آن.

۳. ترویج و حاکمیت فرهنگ نادرست اجتماعی

ترویج و حاکمیت فرهنگ نادرست اجتماعی در جامعه در مهروموم‌های اخیر، به صورتی که افراد، رفع تمامی مشکلات را تنها از حکومت و دولت-آن‌هم در کوتاه‌مدت-انتظار دارند.

۴. انعکاس نیافتن مناسب دستاوردها

انعکاس نیافتن مناسب دستاوردها و عدم ارائه آمارهای دقیق، شفاف و تطبیقی از ابعاد اقدامات و تلاش‌های صورت پذیرفته از سوی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به‌خصوص در مقایسه با قبل از انقلاب و کشورهای منطقه.

۵. عدم اطلاع‌رسانی مناسب به مردم

عدم اطلاع‌رسانی مناسب به مردم در خصوص مشکلات موجود از جمله کاهش شدید درآمد سرانه نفتی کشور و ورود خسارت‌های هنگفت به دلیل جنگ تحمیلی که در کاهش توان و عملکرد کارگزاران نظام و کارآمدی آنان بسیار مؤثر بوده است.

۶. توجیه نکردن مردم در خصوص سیاست‌های اقتصادی دولت

توجیه نکردن مردم در خصوص سیاست‌های اقتصادی دولت (همچون واقعی کردن قیمت‌ها) که در نگاه آنان، بی‌توجهی دولت به مشکلات مردم، تداعی شده است. (که البته این سه عامل اخیر به‌تنهایی بیانگر ابعادی از ناکارآمدی کارگزاران نظام - در تبیین عملکرد و توجیه وضعیت فراروی نظام- هست)

۷. فضاسازی و فعالیت گسترده تبلیغاتی مخالفان داخلی و خارجی نظام

فضاسازی و فعالیت گسترده تبلیغاتی مخالفان داخلی و خارجی نظام در سیاه‌نمایی وضع موجود و بزرگ‌نمایی مشکلات.

۸. افزایش سطح توقعات و مطالبات جمعیت روستایی کشور

افزایش سطح توقعات و مطالبات جمعیت روستایی کشور تحت تأثیر رسانه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و بالا رفتن سطح معلومات و ارتباطات فراگیر آنان با شهرها.

۹. جوان بودن جمعیت کشور

جوان بودن جمعیت کشور، ۶۵ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال - که ایجاد نیاز روزافزون جهت تخصیص بودجه و امکانات در حوزه‌های آموزشی و تحصیلی - تفریحی و رفاهی، مسکن و به‌ویژه اشتغال و ازدواج را به دنبال دارد.

آنچه باعث تأسف می‌شود این است که امروزه به هنگام اظهارنظر درباره وضع موجود کشور، جدا از برخی تحلیل‌های مغرضانه و جهت‌دار دشمنان، بخشی از تحلیل‌ها و قضاوت‌های دوستان نیز منصفانه و واقع‌بینانه ارائه نمی‌شود. موارد منفی بزرگ‌نمایی شده و بسیاری از

اقدامات و دستاوردهای مثبت نادیده گرفته می‌شود؛ حتی تلاش جهت‌دار و معنی‌داری در خصوص القای این نکته به مردم و بخش بزرگی از فرهیختگان و خواص جامعه صورت می‌گیرد تا وضعیت اقتصادی و درجه توسعه‌یافتگی کشور حتی در مقایسه با قبل از انقلاب نیز بدتر نشان داده شود ولی تأمل واقع‌بینانه و تحلیل علمی تحولات پس از انقلاب، به وضوح نشان می‌دهد که با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود، جمهوری اسلامی در مدت عمر خود توانسته ضمن مقاومت در برابر فشارها و تجاوزات بیگانگان، در اصلاح و بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی مردم خود نیز توفیقات فراوانی به دست آورد.

و البته پرداختن به اقدامات مثبت نظام، به معنی نفی یا نادیده گرفتن معضلات و نواقص موجود نیز نیست. مشکلات موجود، اکثراً محسوس و مشهود برای عموم مردم است اما ممکن است نگاه و ذهنیت آن‌ها تنها از زاویه کمبودها و نواقص شکل گرفته باشد، بنابراین، در این بحث، سعی گردید به منظور تعدیل و تصحیح نگرش افراد نسبت به وضع موجود، تلاش‌ها و اقدامات انجام‌گرفته، مدنظر قرار گیرد و مواردی که لازم است جهت قضاوت منصفانه لحاظ گردد، بیان شود.

درعین‌حال باید اذعان کرد که اگر مقصود و تعریف ما از کارآمدی، «تخصیص بهینه امکانات در جهت دستیابی به اهداف تعیین‌شده از سوی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی برای تحقق الگوی مطلوب از یک جامعه دینی، انقلابی و انسانی برخوردار از حداکثر مواهب مادی و معنوی» باشد، در این صورت، قطعاً تا تحقق آن آرمان مطلوب و مدینه فاضله، فاصله‌ای بسیار داریم و ضروری است برای رسیدن به آن وضعیت، ضمن نقد وضع موجود به علت‌یابی مشکلات و بررسی دلایل عدم تحقق برخی از اهداف و آرمان‌ها پردازیم و با ارائه راهکارها و پیشنهادها جهت رفع آن‌ها اقدام کنیم.

افزایش شاخص‌های توسعه انسانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

امید به زندگی:

بعد از انقلاب اسلامی، امید به زندگی در ایران ۱۵ سال افزایش یافته است. هم‌اکنون این شاخص در مردم کشور ما ۷۴ سال است. در حال حاضر بیش از ۹۷ درصد جمعیت روستایی و حدود ۱۰۰ درصد جمعیت شهری ایران، به مراقبت‌های بهداشتی دسترسی دارند و شاخص‌های سلامت، بهبود چشمگیری یافته است.^۱

مرگ‌ومیر اطفال:

امروزه نرخ مرگ‌ومیر اطفال زیر ۵ سال از ۲۰۰ مورد در هر هزار تولد در قبل از انقلاب، به حدود ۲۳ مورد در هر هزار تولد رسیده است. کاهش چشمگیر مرگ‌ومیر اطفال طی سال‌های اخیر، ناشی از عواملی چون گسترش شبکه بهداشتی- درمانی کشور، افزایش دسترسی به خدمات و مراقبت‌های اولیه بهداشتی است.^۲

واکسیناسیون:

شاخص پوشش واکسیناسیون اطفال زیر ۵ سال در ایران از حدود ۱۳ درصد در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۹۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. به همین دلیل، بسیاری از بیماری‌های عفونی و مسری، از طریق اجرای واکسیناسیون در اطفال کاهش یا ریشه‌کن شده و ایران را در سطح استانداردهای جهانی قرار داده است.^۳

^۱ . صعود چهل ساله. ۱۳۹۸. ص ۹۲ به نقل از بانک جهانی

^۲ . همان. ص ۹۳.

^۳ . همان. ص ۹۲.



بهداشت و درمان:

در سال ۹۰ میزان دسترسی جمعیت ساکن در مناطق روستایی به آب آشامیدنی سالم به ۹۶ درصد رسیده است.^۱ که تعداد بیمارستان‌ها در سال ۹۰ به ۸۳۰ بیمارستان افزایش یافته است. بیش از ۶۵ میلیون نفر از جمعیت کشور تحت پوشش بیمه‌های درمانی قرار گرفته‌اند. از نظر شاخص‌های سلامت زنان به ارقام افتخارآمیزی پس از انقلاب از جمله کاهش ۹۰ درصدی مرگ و میر زنان باردار و کاهش زایمان توسط افراد دوره ندیده به کمتر از ۲ درصد رسیده‌ایم.^۲

تعداد تخت‌های بیمارستانی از ۵۷ هزار تخت در سال ۵۷ به ۲۱۰۷۹۷ تخت در سال ۱۳۹۰ رسیده است. همچنین تعداد خانه‌های بهداشت از ۲۵۰۰ به ۲۰۵۶۱ باب، مراکز بهداشتی، درمانی و روستایی از ۱۵۰۰ به ۹۳۶۵ مرکز، مراکز بهداشتی درمانی شهری از ۸۰۰ به ۳۷۷۰ مرکز افزایش یافته است.

^۱. صعود چهل ساله. ۱۳۹۸. ص ۹۹.

^۲. همان. ص ۳۶۸.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۷۳

تعداد دانشجویان گروه پزشکی در سال ۱۳۹۰ به ۴۲۵۹۱ رسید. در حالی که این رقم در سال ۵۷، ۲۳۰۰۰ نفر بود. تعداد پزشکان متخصص از ۷۰۰۰ نفر در سال ۵۷ به ۹۰۷۹۲ نفر در سال ۹۰ افزایش یافته است. افزایش تعداد زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها که اکنون با نزدیک به ۶ هزار نفر یک سوم کل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی را تشکیل می‌دهند، افزایش دانشجویان خانم تا مرز دوسوم کل دانشجویان کشور همه از دستاوردهای پس از انقلاب اسلامی ایران در ۳۳ سال گذشته است.^۱

این جزء افتخارات ماست که مجلس پنجم ۵۰ درصد ظرفیت رشته‌های تخصصی پزشکی را به زنان اختصاص داد. بر این اساس اکنون در بسیاری از رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی دانشمندان و افراد باتجربه زن داریم که مشغول خدمت‌رسانی به مردم هستند.

تعلیم و تربیت:

ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دارای پائین‌ترین شاخص توسعه انسانی بود. نرخ باسوادی بزرگسالان از ۴۱/۸ درصد در اوایل انقلاب اسلامی (۱۳۵۹) به ۵۷/۱ درصد در سال ۶۷ و سپس ۸۵ درصد در سال ۹۰ رسیده است. در حالی که در سال‌های پایانی رژیم شاه کمتر از نیمی از جمعیت لازم‌التعلیم تحت پوشش آموزش‌های لازم بودند.^۲

شبهه ۱۳: رویکرد انقلاب با رژیم پهلوی هیچ فرقی ندارد.

تفاوت رویکرد انقلاب اسلامی با رژیم پهلوی چیست؟

^۱. صعود چهل ساله. ۱۳۹۸. ص ۱۶۷.

^۲. همان. ص ۸۸.

۷۴ ❖ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

رویکرد انقلاب اسلامی بر محورهای از جمله موارد ذیل می‌باشد.

۱- عدالت اقتصادی و رفع تبعیض

۲- مبارزه با زراندوزی

۳- استقلال اقتصادی

۴- توزیع عادلانه ثروت عمومی

۵- ساده زیستی

۶- تأمین رفاه و عزت انسانی

۷- خودکفایی و تولید ملی

۸- محرومیت‌زدایی و خدمت به مستضعفان

در صحیفه نور^۱ از قول حضرت امام آمده است:

«اقتصاد ما باید متحول شود، اقتصاد وابسته به اقتصاد مستقل تبدیل شود. تمام چیزهایی که در حکومت طاغوت بود و به تبع اجانب در این مملکت ضعیف، در این مملکت زیردست پیاده شده بود با استقرار حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی تنها این‌ها باید زیور و شود و باید مردمان خودشان را اصلاح کنند و باید اشخاصی که ظالم هستند و به زیردست‌ها ظلم کردند، باید آن‌ها دیگر ظلم نکنند باید حق فقرا داده شود.»

^۱ - صحیفه نور. ج ۵ ص ۲۳۷.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۷۵

بر اساس همین رویکرد بود که پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، انقلاب از مرحله مبارزه با طاغوت گذر کرد و به مرحله سازندگی رسید و تمامی نیروهای انقلاب اسلامی هدف خود را جهاد در راه استضعاف زدایی از محرومین قراردادند.



در این راستا جهاد سازندگی با الهام از فرمان حضرت امام امت (ره) و با سرمایه‌هایی چون جوانان پرشور و انقلابی و بادل‌های آکنده از عشق به محرومین رسالت خطیر خویش را آغاز کرد. جهادگران جهاد سازندگی در این مرحله با شعار «همه باهم به سازندگی» به آباد کردن خرابی‌ها پرداختند. در آغاز، فعالیت‌های ساده و اکثراً به شکل بسیجی (کمک به داشت و برداشت محصولات کشاورزی) بود؛ اما کارایی این شیوه بسیجی، با پشتیبانی کامل مردمی که در فرهنگ اداری تشکیلاتی قبل از انقلاب اسلامی بی‌سابقه بود، به همراه اخلاص در خدمت‌گذاری داوطلبان این نهاد از یک‌طرف و پذیرش متقابل روستائیان از سوی دیگر، واگذاری وظایف بیشتر این نهاد را باعث گردید.

۷۶ ❖ شب‌هاست بر تکرار انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر فرزانه انقلاب اسلامی درباره جهاد سازندگی به نکته مهمی اشاره کرده و فرمودند:

"آن روز که نهاد انقلابی جهاد سازندگی به وجود آمد، یقیناً «هیچ ارگانی از ارگان‌های کشور، قدرت نداشت به ترمیم خرابی‌ها و ایجاد سازندگی به شکل مطلوب، به نحوی که جهاد متصدی آن است، بپردازد»."

جهاد سازندگی در تاریخ ۲۷ خرداد سال ۱۳۵۸ بافرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی بینان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) در جهت مبارزه با فقر و محرومیت بجا مانده از رژیم ستم‌شاهی، توسعه و عمران روستایی، رشد و گسترش کشاورزی و حرکت به سمت استقلال و خودکفایی کشور تشکیل گردید.

جمعی از جوانان مسلمان، متعهد برومند ایران اسلامی در پی صدور فرمان حضرت امام خمینی (ره) به قصد قربت و در جهت خدمت به قشر مستضعف و محروم روستاها بپا خواستند و بدین‌سان این نهاد انقلابی از متن توده‌های میلیونی مردم شکل گرفت. پس از فرمان حضرت امام خمینی (ره) جهاد با دو حرکت و هدف اصلی در سازندگی کشور قدم برداشت.

۱- رفع محرومیت از روستاهایی که از ساده‌ترین امکانات رفاهی نیز محروم بودند.

۲- تأمین درآمد کافی و ایجاد اشتغال در روستاها نهایتاً رشد و شکوفایی کشاورزی و خودکفایی کشور.

جهاد سازندگی با این دو هدف وارد روستاها شد و سعی کرد با سازمان‌دهی کلی حرکت خودجوش مردمی به دنبال کارهایی برود که این هدف را تأمین کند. به این ترتیب جهاد سازندگی به رهبری روحانیت در تمام شهرها و شهرستان‌ها و

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۷۷

بخش‌های کشور برای تحقق هدف‌های ذکرشده حضور یافت. مسیر و ابزار این حرکت، بسیار سخت و مشکل بود؛ زیرا در همان موقع دولت موقت بازرگان، به چشم یک حرکت مستمر دائمی به جهاد نگاه نمی‌کرد، بلکه آن را یک حرکت موقت در یک‌زمان محدود برای استفاده از اوقات فراغت جوانان در جهت سازندگی می‌دانست؛ اما جهاد با شور و حرکت مستمر و پویایی خود و گستردگی بی‌سابقه‌ای که پیدا کرد، این تفکر را از بین برد و با یک سازمان‌دهی، نظامی را نهادینه کرد که بعد بانام وزارت جهاد سازندگی الگویی برای سایر سازمان‌های ستی و رسمی کشور گردید.

شبهه ۱۴: روحانیون نباید رئیس‌جمهور شوند.

در روزنامه کیهان تاریخ ۵۸/۹/۱۰ از قول امام (ره) بیان‌شده است روحانیون نباید رئیس‌جمهور شوند؛ ولی حالا رئیس‌جمهور روحانی، رئیس قوه قضاییه روحانی و بسیاری از پست‌های مدیریتی در دست روحانیت است، آیا این خلاف گفته امام (ره) نیست؟



پاسخ شبهه:

در نحوه مواجهه امام با مسئولیت اجرایی روحانیون اگر توجه به اقتضائات زمان نداشته باشیم شاید تصور شود امام (ره) رویکرد دوگانه‌ای داشته‌اند؛ زیرا ایشان قبل از پیروزی انقلاب می‌فرمودند:

«روحانی...خودش رئیس‌جمهور نشود لکن در ریاست جمهوری نقش داشته باشد و کنترل کند.» امام حتی در کتاب «کشف الاسرار» خود تصریح می‌کند: «این که می‌گویند حکومت باید به دست فقیه باشد نه آن که فقیه باید شاه و وزیر و سرلشکر و سپاهی و سپور باشد بلکه فقیه باید نظارت در قوه تقنینیه و در قوه مجریه ممالک اسلامی داشته باشد.»

اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، روی کار آمدن روحانیون و مسئولیت گرفتن آن‌ها است! اما چرا امام پذیرفتند و مخالفت نکردند؟ در واقع امام (ره) شأن یک روحانی را بالاتر از این می‌داند که کار اجرایی کند. در اندیشه امام روحانیت باید هادی و ناظر باشند در ابتدای پیروزی انقلاب هم همین سیاست پیاده شد و افرادی مثل مهندس بازرگان قدرت را به دست گرفتند اما اقتضای زمان و عملکرد دولت موقت و برخی مسئولین غیرروحانی امام را به این باور رساند تا پرورش نیروهای کارآمد و کارا، روحانیت و عالمان اسلامی پست‌های کلیدی را در دست بگیرند و جامعه را به سوی اهداف و آرمان‌هایش هدایت کنند. ایشان در سخنرانی خود می‌فرمایند:

چنانچه همه متصدیان روحانی که هستند الآن از باب اینکه می‌بینند که نمی‌تواند و نخواهد توانست کسان دیگر اداره این کشور را آن طوری که اسلام می‌خواهد اداره بکند و ما تجربه کردیم که نشد این آقایان با اینکه شغلشان این نیست و حالا من عرض می‌کنم که بنای روحانیون بر این

نیست که حکومت را بگیرند. حکومت چیست؟ بنای روحانیون بر این است که اسلام را حفظ کنند.

ما گمان می‌کردیم که در بین روشنفکران ما - به اصطلاح - خوب اشخاصی پیدا می‌شوند که متعهدند و حفظ می‌کنند این را. اگر حالا هم پیدا شد یک همچو اشخاصی یک همچو جمعیت‌هایی آقایان پست‌های مهم‌تر دارند می‌روند سراغ کارشان؛ آقای هاشمی هم می‌روند. آقای خامنه‌ای هم می‌روند و همه کسانی که متصدی هستند؛ اما ما چه بکنیم امروز وضع ما وضع ایران وضع گرفتاری‌های داخلی و خارجی جوری است که بدون این‌ها نمی‌شود اداره کرد این مملکت را یا می‌کشاندش به طرف آمریکا و یا کمونیسم؛ یا می‌کشاندش به طرف آمریکا و سرمایه‌داری کنیم یا می‌کشاندش طرف کمونیسم و آن بساط.^۱

شبهه ۱۵: پهلوی، می‌روم تا خون از دماغ هم‌وطنانم ریخته نشود.

فرق دو رهبر، یکی گفت می‌روم تا خون از دماغ هم‌وطنانم ریخته نشود ... و دیگری (بشار اسد) با پافشاری بر قدرت باعث مرگ و تبعید چهار پنج میلیون انسان بی‌گناه شد.

^۱ صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۴۶۶.



پاسخ شبهه:

۱- در جواب این شبهه ابتدا باید گفت: طراح شبهه یا از جنایات پهلوی در حق هموطنانش بی اطلاع است و نیز از اوضاع سوریه بی خبر است، یا اینکه تحلیلشان مقرضانه یا کودکانه است.

۲- ملت ایران دهها سال بود که اصرار داشتند پهلوی از قدرت برکنار شود. مگر سال ۱۳۳۲ نبود که شاه را از ایران فراری دادند اما با کودتای طراحی انگلیس و آمریکا در ۲۸ مرداد وبا ریختن خون هم وطنانمان، شاه را بگرداندند. مگر همان شاه نبود که ۱۵ خرداد ۴۲ خون هموطنانش را ریخت تا بر سلطنت باقی بماند؟

۳- آیا دهها نفر و شاید صدها نفر که خونشان توسط رژیم پهلوی در جمعه سیاه^۱ ۱۷ شهریور ۵۷ به زمین ریخته شد هموطنان شاه نبودند؟ مگر آنهایی که سینهشان هدف

^۱. رویداد ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ شناخته شده به «جمعه سیاه» که در برخی منابع از آن با عنوان «کشتار ۱۷ شهریور» نیز یاد می شود، رویدادی در جریان ناآرامی هایی بود که در نهایت به وقوع انقلاب ۱۳۵۷ ایران انجامید. در تاریخ

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۸۱

گلوه‌های رژیم پهلوی در تظاهرات سال ۵۷-۵۶ قرارمیگرفت هم‌وطنان شاه نبودند؟ مگر آن‌هایی که در زندان‌های مخوف ساواک شکنجه و کشته می‌شدند هم‌وطنان شاه نبودند؟

۴- شاه رفت چون دیگر توان مقابله با سیل اعتراضات مردم را نداشت. چون دیگر نمی‌توانست با کشتار و زندان و تبعید در مقابل خیل عظیم ملت معترض مقاومت کند. اگر ملت یک کشور، تمام قد در مقابل حکومت جورش بپا خیزد، بالاخره آن حکومت رفتنی است، حتی اگر ابرقدرها از آن حکومت حمایت کنند.

۵- مصر، یمن، تونس، لیبی،... مردمانشان بپا خواستند و رژیم‌ها سرنگون شد اما بالعکس در سوریه چون مردم حامی حاکمیت هستند، تمام غرب با تمام توانشان علیه آنها شدند اما نتوانستند حکومت را ساقط کنند. خود غربی‌ها اقرار کرده‌اند که همه‌جانبه از مخالفان دولت سوریه حمایت کرده‌اند وداعش را تأسیس کرده‌اند، پس عامل همه خون‌های ریخته شده، سیاست‌های غلط و مداخله جویانه غرب است.

۶- مگر آمریکا وکیل الرعیای مردم کشورهاست که برای آن‌ها حکومت تعیین می‌کند؟ مگر نه این است که مردم هر کشوری، خود باید سرنوشتشان را تعیین کنند؟ پس دخالت و جنگ‌افروزی آمریکا برای چیست؟ باید از نویسنده‌ی شبهه پرسید که آیا اگر

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ خورشیدی، تظاهرات مخالفین و انقلابیون (غالباً گروه‌های چپ، فدایی خلق و مجاهدین) در محلات جنوبی، خیابان ژاله پیشین (خیابان مجاهدین اسلام کنونی) و میدان ژاله (میدان شهدا کنونی) در تهران، منجر به سرکوب تظاهرکنندگان توسط نیروهای نظامی ارتش شاهنشاهی ایران شد.

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ اغلب به عنوان آغاز پایان کار دودمان پهلوی ایران در نظر گرفته می‌شود که هر گونه امید به مصالحه میان انقلابیون و سلطنت‌طلبان را از میان برد. رویدادهای این روز عملاً امکان به ثمر رسیدن اصلاحات تدریجی، آرام و لیبرالی را ناممکن گذارد.

بشار اسد صحنه را خالی می‌کرد و تسلیم داعش و اربابانش می‌شد، حکومتی که آن‌ها تشکیل می‌دادند مطابق خواست مردم سوریه بود؟

شبهه ۱۶: کاپیتولاسیون، پهلوی سیاه نمایی تبلیغاتی پهلوی

حق کاپیتولاسیون چیست؟ بسیاری از مخالفان شاه، او را به دادن حق کاپیتولاسیون (مصونیت قضایی) به دیپلمات‌ها و رایزنان آمریکایی متهم می‌کردند ولی این تنها یک سیاه نمایی تبلیغاتی بود؛ حتی جالب است بدانید حق کاپیتولاسیونی که در دوره قاجار به دلیل مذهبی بودن قانون ایران، به اروپایی‌ها داده شده بود تا با قانون‌های کشور خودشان دادرسی شوند، با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی و پایه‌گذاری دادگستری به شیوه نوین، برجیده شد و دیگر امتیازی به نام کاپیتولاسیون وجود نداشت.

امتیازی که در دوره محمدرضاشاه پهلوی از آن با نام کاپیتولاسیون یاد می‌شد، اصلاً کاپیتولاسیون نبود و تنها اجرای پیمان وین بود که در ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ در سازمان ملل به تصویب رسیده بود. برخلاف حق کاپیتولاسیون، در بند ۳۷ پیمان وین آمده که کشور پذیرنده دیپلمات‌ها، حق پیگیری حقوقی جرم مرتکب شده را در کشور فرستنده دیپلمات دارد.

محمدرضا شاه پهلوی تنها برای ایجاد امنیت و جذب بیش‌تر کارشناسان نظامی و صنعتی و ... پیمان وین را به اجرا درآورد و جالب است بدانید هم‌اکنون جمهوری اسلامی نیز به همین پیمان پایبند است و هنگامی که یک دیپلمات جمهوری اسلامی در یک استخر در کشور برزیل، دختر بچه‌ای را مورد آزار جنسی قرار داده بود، در دادگاه‌های برزیل مجازات نشد و برای رسیدگی به اتهامش به ایران فرستاده شد!



پاسخ شایعه

- ۱- کاپیتولاسیون در چند دوره به شاهان بی کفایت ایران تحمیل شد که دردآورترین آن‌ها در زمان پهلوی دوم بود!
- ۲- لغو کاپیتولاسیون ترکمانچای، حاصل فروپاشی رژیم تزار بود نه اقدام رضاخان! شوروی در (۱۲۹۷. ش) به‌طور یکجانبه آن را لغو کرد، اما رضاخان در سال ۱۳۰۶ لغو آن را اعلام کرد!
- ۳- از آنجاکه مزایای ویژه سیاسی، قضایی و... کماکان برای بعضی سفارتخانه‌ها محترم شمرده می‌شد، این حرکت رضاخان فقط جنبه تبلیغاتی داشت!^۱
- ۴- کاپیتولاسیون شاه، اجرای پیمان وین نبود! موضوع این پیمان هیئت‌های سیاسی بود، اما دولت منصور با انضمام یک لایحه، هیئت‌های مستشاری نظامی آمریکا را هم شامل این مصونیت‌ها کرد!

^۱ - <http://yon.ir/cptltn1>.

۸۴ ❖ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

۵- پیمان وین در مجلس تصویب شد اما این لایحه با یک ماده واحد بعداً بررسی شد و به کاپیتولاسیون مشهور گردید!

۶- سفارت آمریکا هیئت‌های مستشاری نظامی را چنین تفسیر می‌کرد: کلیه کارمندان نظامی یا مستخدمین غیرنظامی وزارت دفاع و خانواده‌های ایشان که در ایران مسکن دارند! یعنی هر کس که آمریکا به ایران وارد کرده بود، چه مستشار باشد و چه نباشد!^۱

۷- پیگیری حقوقی کشور پذیرنده در کشور فرستنده، در بند ۴ ماده ۳۱ این پیمان مطرح شده نه ماده ۳۷! در شرایط نابرابر، کاپیتولاسیون یعنی «حق توحش» که کشور قوی از کشور ضعیف می‌گیرد و در این شرایط محاکمه متخلفان در کشور قوی‌تر، لطفه است!^۲

۸- حتی نمایندگان فرمایشی مجلس هم این قانون ننگین را تاب نیاوردند! از ۱۸۸ نماینده، تنها ۷۴ رأی موافق و ۶۱ رأی مخالف بود و ۵۲ نفر از جمله رئیس مجلس نیز غیبت داشتند!^۳

۹- برخلاف ادعای شایعه، حضور مستشاران سبب ناامنی و بروز مشکلات متعددی شد و در انتقال دانشی که متعهد به عرضه آن بودند نیز عملاً هیچ اقدامی نکردند!^۴

فرد خاطی در برزیل، همان زمان با برخورد انضباطی وزارت خارجه مواجه شد! او که شامل قرارداد وین شد یک دیپلمات بود، نه یک مستشار نظامی!

^۱ - <http://yon.ir/cptltn6>.

^۲ - <http://yon.ir/cptltn2>.

^۳ - <http://yon.ir/cptltn4>.

^۴ - <http://yon.ir/cptltn5>.

۱۰- افشاگری تاریخی امام خمینی (ره) از این خیانت بزرگ و بروز جرعه‌های انقلاب اسلامی، خوشایند عده‌ای نیست و برای جعل حقایق دست به تحریف تاریخ می‌زنند!^۱

شبهه ۱۷: اساساً انقلاب کی دست اهلش بوده

اولین قائم‌مقام رهبری ضدانقلاب بود (منتظری)

اولین امام‌جمعه ایران حامی منافقین بود (طالقانی)

معلم انقلاب، التقاطی بود (شریعتی)

اولین نخست‌وزیر مملکت که جاسوس آمریکا بود! (بازرگان)

اولین رئیس‌جمهور مملکت هم که جاسوس منافقین بود! (بنی‌صدر)

نخست‌وزیر هشت‌ساله جنگ که اصل فتنه است (موسوی)

رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب هم که حامی فتنه است (محمد خاتمی)

رئیس‌جمهور سازندگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام ساکت فتنه است! (هاشمی)

رئیس‌جمهور دهم، هم که جریان انحرافی! (احمدی‌نژاد)

رئیس‌دو دوره مجلس هم که فتنه‌گر و عامل استکبار از آب درآمد (مهدی‌کروبی)

و سؤال مطرح این است که این انقلابی رو که نباید بگذاریم دست ناهالان بیافتد، اساساً کی دست اهلش بوده که ما نگهش داریم.

^۱ - <http://yon.ir/cptltn7>.

۸۶ ❖ شبهات بر تکرار انقلاب اسلامی

پاسخ شبهه:

- ۱- مطرح شدن آقای منتظری به عنوان «فائز مقام رهبری»، از سوی امام (ره) نبود. ایشان از همان ابتدا وی را شایسته این مسئولیت بزرگ نمی‌دانستند. ضمن اینکه انقلاب در دستان ایشان نبود!^۱
- ۲- مرحوم آیت‌الله طالقانی به هیچ وجه حامی منافقین نبودند و اتفاقاً نگاه بسیار منفی در خصوص آن‌ها داشتند.^۲
- ۳- لقب معلم انقلاب برای مرحوم دکتر شریعتی در افواه عمومی رایج گردید و شناخت و ارزیابی ایشان کار دشواری است. وجه غالب تفکرات و آثار ایشان جنبه اسلامی آن بوده و اقبال مردم به ایشان نیز از همین رو بوده است.
- ۴- بر اساس کدام سند آقای بازرگان جاسوس آمریکا معرفی شده است؟ ایشان صرفاً فردی ملی‌گرای مذهبی بودند.
- ۵- نخست‌وزیری میرحسین موسوی در سایه ریاست جمهوری مقام معظم رهبری قرار دارد و اصولاً موسوی صرفاً به عنوان نخست‌وزیر خدمت می‌کردند.^۳
- ۶- انقلاب رویش‌ها و ریزش‌هایی دارد.

^۱ - نامه به آقای منتظری (عدم صلاحیت وی برای رهبری نظام) [صحیفه نور ج ۲۱ ص ۳۳۱].

^۲ - <http://yon.ir/Gojq>.

^۳ - <http://yon.ir/cSjw>.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۸۷

لذا گذشته افراد نمی‌تواند ملاک ارزیابی آن‌ها قرار گیرد. چه‌بسا برخی از عناصر دخیل در انقلاب با تغییر مواضع و مسیر از قطار انقلاب پیاده شوند و چه بسا افرادی با سوابق غیرهمسو سوار بر این قطار گردند.

چنانچه امام علیه السلام فرمودند: «ملاک حال فعلی افراد است.»

۷- عمده تحرکات جریان انحرافی به دولت دوم آقای احمدی‌نژاد بازمی‌گردد. این مطلب یکی از چندین نقاط ضعف ایشان بود.^۱

۸. مواضع آقای کروبی تا پیش از حادثه ۸۸ معتدل و در مخالفت با جریان‌های برانداز بود؛ و فعلاً بنا به مصالح ملی در حصر قرار دارند.^۲

این انقلاب متعلق به امام زمان (عج) است و سکان آن در دستان باکفایت رهبر انقلاب هست. صاحبان آن نیز مردم هستند که با حضور در عرصه‌های مختلف مانند انتخابات، راهپیمایی‌ها و ... انشاءالله مراقب‌اند که انقلاب چنان گذشته به دست ناهلان و نامحرمان نیفتد.

شبهه ۱۸: دکتری و خلبانی محمدرضا شاه پهلوی

شاهنشاه آریامهر، اصالت شهرستان آلاشت مازندران، دکترای حقوق فرانسه، دکترای جامعه‌شناسی، زبان انگلیسی هاروارد، خلبان بوئینگ ۷۴۷، خلبان فانتوم اف ۱۴، خلبان شکاری اف ۱۶، خلبان افتخاری تیم فرشتگان آبی با گروه جت آمریکایی برای اولین بار، سهام‌دار شرکت هواپیمایی اف ۱۴ ...

^۱ - <http://yon.ir/SB7R>.

^۲ - <http://yon.ir/ti2V>.

پاسخ شبهه:

۱- محمدرضا پهلوی دانشگاه نرفت و دکترا نداشت! او به امر پدرش و به صورت سفارشی از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ به دانشکده افسری رفت! دکترهای اعطایی به او افتخاری بود و جنبه سیاسی داشت!^۱

۲- شاه هیچ دوره رسمی خلبانی طی نکرد! ماجراجویی او سبب شد پرواز با چند هواپیمای مدل قدیمی را بیاموزد. تصاویر و ادعاهای خلبانی شاه با هواپیماهای مدرن، مربوط به پروازهای تشریفاتی او به عنوان خلبان افتخاری و در کنار خلبانان اصلی آن هواپیماها است!^۲

۳- اف ۱۴ محصولی استراتژیک بود و آمریکا آن را به ایران نفروخت! چند سال بعد که شرکت گرومن سازنده اف ۱۴ در شرف ورشکستگی بود، شاه با پرداخت ۲ میلیارد دلار بیش از ۸۰ فروند سفارش داد که تنها ۷۹ فروند به ایران تحویل داده شد.^۳

^۱ - <http://yon.ir/Tahsil>.

^۲ - <http://yon.ir/Khalaban>.

^۳ - <http://yon.ir/F14y>.



شبهه ۱۹: انقلاب این کار را کرد، آن کار را کرد.

انقلاب این کار را کرد، آن کار را کرد - اگر انقلاب نمی‌شد الآن بدبخت بودیم - مردم در دوران شاه بی‌چاره بودند و... این حرف‌ها را حتماً شما هم از این حزب‌اللهی‌ها شنیدید اما آیا واقعاً اگر انقلاب نمی‌شد ما وضعمان بدتر از الآن بود؟ اولاً بسیاری از پیشرفت‌ها و تکنولوژی‌ها در زمان شاه به ایران آمده است مگر این انرژی هسته‌ای که الآن این نظام سنگش را به سینه می‌زند در دوران شاه به کشور ما وارد نشده است؟

پاسخ شبهه:

این استدلال به‌هیچ‌وجه یک استدلال صحیح نیست زیرا:

- ۱- اساساً در رژیم شاهنشاهی وابسته به غرب، امکان هیچ‌گونه رشد و پیشرفتی از سوی غربی‌ها به ایرانیان داده نمی‌شد.
- ۲- به‌جرئت می‌توان گفت که اگر هزار سال هم این رژیم در ایران بر سرکار بود امکان نداشت به رشد و پیشرفت در علوم و فنون دست یابد.

۳- البته ما قبول داریم که در آن مقطع مظاهری از رشد و پیشرفت در ایران توسط پهلوی‌ها وارد کشور شده بود اما واقعیت این است که چنین رشدی یک رشد و پیشرفت وابسته به غربی‌ها بود که تنها زمین، نیروی انسانی و برخی مواد اولیه برای ایرانی‌ها بوده و فراتر از آن ایرانیان هیچ نقشی در علوم و فناوری نداشتند.

۴- کارگر بی‌سوادی که تنها هنرش بستن پیچ یک قطعه صنعتی پیچیده است که هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید او به خاطر این کار، طراح و سازنده این قطعه است و حتی با گذشته صدسال او نمی‌توانست به علم ساخت آن دستگاه و راز سیم‌پیچی‌ها و مدار پیچیده آن دست پیدا کند.

۵- با نگاهی به کلیت صنعت کشور در دوران پهلوی می‌توانیم به‌سادگی دریابیم که در آن مقطع وابستگی، یک رکن اصلی و اساسی بود و متخصصان و تکنیسین‌های بیگانه در گوشه گوشه کشور حضور داشتند و ایرانیان صرفاً نقش کارگرانی را بازی می‌کردند که تفاوتی با ربات‌هایی که به‌تدریج در صنایع جایگزین نیروی انسانی می‌شود نداشتند.

۶- حتی اگر نیروگاه‌های اتمی کشور ما در این مدت می‌توانست راه‌اندازی شود، هیچ ارزشی برای کشور نداشت و به‌جای اینکه بتواند مانع از خروج سرمایه‌های ملی گردد به دلیل وابستگی دائمی ایران در فناوری این نیروگاه‌ها، خروج دائمی سرمایه‌های ملی، امری اجتناب‌ناپذیر بود.

۷- باگذشت زمان این وابستگی‌ها تبعات دیگری هم به همراه می‌آورد مثلاً اینکه در صورت کوچک‌ترین مخالفتی از سوی ایران، غربی‌ها به‌راحتی با دست کشیدن از مدیریت یک نیروگاه و نه حتی تعطیلی آن، می‌توانستند دولت را مجبور به اطاعت از خودکرده و بدین ترتیب جلوه دیگری از استعمار نوین خود را به رخ ایرانیان بکشند.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۹۱

۸- امروز ما علم و فناوری داریم و نه صرفاً تجهیزات و دستگاه‌های پیشرفته.

اگر این پیشرفت‌ها نتیجه گذر زمان است و نه انقلاب اسلامی چرا در عراق یا افغانستان و... این پیشرفت‌ها حاصل نشده است؟ آیا زمان برای آن‌ها نگذشته است؟

شاید کسانی بگویند که چرا ایران را با عراق مقایسه می‌کنید؟ در پاسخ باید گفت:

چون ایران و عراق قبل از انقلاب تقریباً هم‌سطح بوده‌اند و برای ژاندارمی منطقه رقابتی بین شاه ایران و صدام وجود داشته است. الآن ما انقلاب کردیم و آن‌ها نکردند. کدام یک جلوتریم؟

در انقلاب ایران و بعد هم در جنگ تحمیلی ما کمتر از نیم میلیون کشته دادیم اما عراق تنها در حمله آمریکا بیش از یک میلیون کشته داده است. هنوز هم که هنوز است از فتنه غربی‌ها در امان نیستند.

اما ایران چطور؟

امروز ما یک کشور هسته‌ای هستیم - یک کشور فضایی هستیم - در علم پزشکی جزء چند کشور اول دنیا هستیم - یک کشور موشکی هستیم - در علم نانو جزء چند کشور اول دنیا هستیم - جزء چند کشور اول سدساز دنیا هستیم و... اما آن‌ها چه چیزی دارند؟ آیا زمان برای آن‌ها نگذشته است؟

شبهه ۲۰: آتش زدن پرچم آمریکا، توهین به ملت آمریکا

گروهی با تمسک به آیه ۱۰۸ سوره انعام می‌گویند: اگرما پرچم امریکا را آتش بزیم آن‌ها هم به پرچم و اعتقادات ما حمله می‌کنند! پس ما آتش نزنیم آن‌ها مقابله به مثل نکنند!



پاسخ شبهه:

خداوند متعال در سوره انعام آیه ۱۰۸ به مسلمانان دستور می‌دهد:

«به معبود کسانی که غیر از خدا را می‌خوانند ناسزا نگویند که در نتیجه آنان هم به خاطر جهل و دشمنی به خداوند متعال ناسزا بگویند»

به طوری که از بعضی روایات استفاده می‌شود گروهی از مؤمنان بر اثر ناراحتی شدیدی که از مسئله بت‌پرستی داشتند گاهی بت‌های مشرکان را به باد ناسزا گرفته و به آنها دشنام می‌دادند قرآن صریحاً از این موضوع نهی کرده و رعایت اصول ادب و عفت و نزاکت در بیان را حتی در برابر خرافاتی‌ترین و بدترین ادیان لازم می‌شمارد و دلیل این موضوع روشن است زیرا با دشنام و ناسزا نمی‌توان کسی را از مسیر غلط بازداشت بلکه برعکس تعصب شدید آمیخته با جهالت که در این‌گونه افراد است سبب می‌شود که به اصطلاح روی دنده لجاجت افتند و در آیین باطل خود، سخت‌تر شوند.^۱

^۱ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۹۴.

اما توضیح آیه:

اولاً: آیه شریفه دلالت بر این مطلب دارد که اسلام دین منطق و استدلال است و اهداف خویش را با استدلال و منطق پیش می‌برد از این رو ناسزا و دشنام را نمی‌پذیرد زیرا اساساً دشنام یا نشانه نداشتن منطق است یا نداشتن ادب و صبر و اسلام و مسلمانان با داشتن منطق نیازی به دشنام و ناسزا ندارند.

حضرت علی (ع): به یاران خود در جنگ صفین سفارش فرمودند:

«من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید اما اگر کردارشان را

توصیف و حالات آنان را بازگو می‌کردید به سخن راست نزدیک‌تر و

برای اتمام حجت بهتر است.»^۱

ثانیاً: با روشن شدن معنای آیه شریفه گفتنی است: انقلاب اسلامی با ساختار فرهنگی و برپایی نظامی سیاسی بر اساس اسلام و ارائه الگوی جدید به معیار دین برای اداره جامعه، فرهنگ استعماری غرب را زیر سؤال برد و به چالش کشید و به همین جهت نظام استکباری غرب و در رأس آن آمریکا به نابودی فرهنگ انقلاب و نظام مبتنی بر آن همت گماشته و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و در این راستا از توهین به اسلام و احکام اسلامی و تحقیر و توهین به مسلمانان و انقلاب اسلامی نیز پرهیز نکرده و اسلام و مسلمانان را با شدیدترین حملات و توهین‌ها مواجه نموده‌اند. به‌عنوان نمونه حمایت از «سلمان رشدی» توسط کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و انگلیس توهین بزرگی علیه اسلام و مقدسات مسلمانان محسوب نمی‌گردد؟ و ایران را

۹۴ ♦ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

به دلیل حمایت از مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین حامی تروریسم خواندن و آن را یکی از محورهای شرارت نامیدن چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

ثالثاً: چگونه می‌توان انتظار داشت که آمریکا و کشورهای غربی انقلاب اسلامی و مسلمانان را در سراسر جهان مورد تحقیر و توهین قرار دهند اما مسلمانان نتوانند آن‌ها را تحقیر نمایند در حقیقت این‌گونه برنامه‌ها و رفتارها بازتاب و نتیجه قهری عملکرد و رفتار آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی و مسلمانان است؛ و رفتار آمریکا در تحقیر و تمسخر مقدسات و توهین به انقلاب اسلامی سبب چنین عکس‌العملی شده است؛ و همچنین قضیه کاریکاتورها و... و بالاخره اینکه راهپیمایی بیانگر و نماد افکار و اعتقادات مردم است

و اگر قرار باشد مردم نتوانند در راهپیمایی‌ها، خصوصاً راهپیمایی‌هایی که در راستا و نسبت به عملکردهای استکباری آمریکا و انگلیس و توطئه‌های شوم آنان علیه جهان اسلام ایران است، خشم و نفرت خود را از سیاست‌های این کشور با آتش زدن پرچم این دو کشور - که در جهان چنین اقدامی مرسوم است و نماد تنفر از سیاست‌های یک کشور هست - اعلام نمایند، دیگر راهپیمایی فلسفه وجودی خود را از دست خواهد داد و بی‌معنا و تهی می‌شود.^۱

^۱ - لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری.



رابعاً: به این مدل شبهات (حرکت از پله دوم) گفته می‌شود. در این شگرد جنگ روانی، علت ماجرا که نقطه آغازین آن است حذف و نادیده گرفته میشود و پله دوم ماجرا که نتیجه منطقی و طبیعی پله اول است بزرگنمایی می‌شود. به گونه‌ای که انگار تمام ماجرا همان پله دوم بوده است! مثلاً (علت سوزاندن پرچم) سانسور میشود و به سوزاندن پرچم که نتیجه طبیعی و کمترین تلاقی آن است، حمله می‌شود! به عبارتی چه پرچم آمریکا را آتش بزنییم و چه به آمریکا لبخند بزنییم و به او امتیاز بدهیم! آمریکا همان آمریکاست و دشمنیش با ما هیچ فرقی نمی‌کند. پس مرگ بر آمریکا.

شبهه ۲۱: ایران دروازه تمدن

ننگ بر شورشیان ۵۷؛ که در این ۳۷ سال ۳۰۰ سال ایران را به عقب بردند، چرا که شاه قصد داشت ایران را دروازه تمدن قرار دهد.

پاسخ شبهه:

گوشه‌ای از اقدامات محمدرضا پهلوی

۱- هفتاد درصد جمعیت بی‌سواد کشور در سال ۵۷ دستاورد فرهنگی شاهنشاه در ایران بود!

۲- حضور ۸۰ هزار مستشار نظامی و اداری آمریکا در ایران که بر همه ارگان‌های کشورمان سلطه داشتند.

۳- اعطای حق مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) به مستشاران آمریکایی در سال ۱۳۴۳ و تبعید امام به علت مخالفت با فروش استقلال کشور.

۴- غرق بودن شاه، خواهرانش، همسرش فرح و بقیه اعضای خانواده‌اش در انواع فسادهای اخلاقی به‌نحوی که در خاطرات هرکدامشان، به روابط افسارگسیخته دیگری اذعان کرده‌اند.

۵- اعطای جزیره بحرین و دویست جزیره زیبای اطراف آن به اربابان انگلیسی توسط شاه. (۱۳۴۸)

۶- تنها ۱۵۷ هزار دانشجو از جمعیت ۳۵ میلیونی ایران در سال ۵۷. این وضعیت سواد دانشگاهیان زمان شاهنشاه بود!

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۹۷

۷- تبدیل ایران به بازار کالاهای بنجل وارداتی غرب و فقدان کارخانه‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی خودکفا در کشور و کلیه کارخانه‌ها و وظیفه مونتاژ را داشتند بدون توجه داشتن به ساخت و تولید بومی و داخلی.

۸- تورم شدید با نرخ سالانه ۲۰ تا ۳۰ درصد به اذعان خود شاه در کتاب پاسخ به تاریخ به همراه فساد و ارتشای سراسری و دزدی بلندپایگان و نابرابری در توزیع درآمدها.

۹- سن امید به زندگی ۵۰ سال در دوره شاهنشاه و بیش از ۷۳ سال در ایران کنونی. اکثر نخبگان سیاسی کشور تنها از ۴۰ خانواده نیرومند و کوتاهی دست توده‌های مردم و نخبگان غیر وابسته از مناصب سیاسی و اقتصادی کشور

۱۰- وجود ترسناک‌ترین و خطرناک‌ترین سازمان جاسوسی دنیا در دوره شاه (ساواک) و شکنجه و کشتار هزاران بی‌گناه و یا با کوچک‌ترین مخالفت و یکی از پلیسی‌ترین حکومت‌های جهان علیه حقوق بشر.

گوشه ای از تحقیر های ملت ایران در زمان پهلوی یادداشت ۶۳

۱. تحقیر ایران به خاطر از دست دادن سرزمین ایران: «بحرین و جزایر آن» را به آل خلیفه دادند؛ «رشته کوه های آزارات» را به ترکیه دادند؛ «دشت ناامید» را به افغانستان دادند؛ «شهر توریستی فیروزه» را به روسیه دادند؛ «اروند رود» را هم به عراق دادند که بعدها بهانه ای شد برای جنگ صدام علیه ایران و ...

۲. تحقیر ایران به خاطر تسلط بر سرمایه های ملی ما، مثل تسلط انگلیس بر «نفت ایران» در «قرارداد ۱۹۳۳» و قرارداد «گنشرسیوم».

۳. تحقیر ایران به خاطر دخالت کشورهای بیگانه در مسائل داخلی ایران و عزل و نصب های مسئولین و سران کشور.

۴. تحقیر ایران به خاطر ارتشی که در برابر اشغال ایران توسط متفقین، حتی سه روز هم دوام نیاورد، به طوری که «رضاشاه»، شاه مملکت را خلع کردند.

۵. تحقیر ایران به خاطر وابسته کردن کشور به قدرت های کثیفی چون آمریکا و انگلیس؛ این وابستگی در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود.

۶. تحقیر ایران به خاطر قانون «منع حجاب» و «منع عزاداری»؛ در حالی که «حجاب» و «تعزیه» و «عزاداری» جزو عناصر اصلی هویت ایرانی بود.

۷. تحقیر ایران به خاطر آدم به حساب نیاوردن شاه ایران : در «کنفرانس تهران»، رئیس جمهور آمریکا، نخست وزیر انگلیس و رهبر اتحاد جماهیر شوروی خواستند جلسه ای با یکدیگر بگذارند، تصمیم آن ها بر این شد که این جلسه را در تهران بگذارند و این کار را هم کردند، اما به شاه ایران خبر ندادند که می خواهیم در کشور شما این جلسه را برگزار کنیم. ننگ تر آن که وقتی شاه با خبر شد، مانند یک برده ذلیل به دیدار آن ها رفت. آری رابطه آن روز ایران با آمریکا و انگلیس رابطه ارباب و رعیت بود، همان آمریکایی که امروز در عین الاسد از ایران سیلی می خورد و همان انگلیسی که امروز کشتی هایش را در خلیج فارس توقیف می کنیم.

۸. تحقیر ایران به خاطر بستن قرارداد های ننگینی چون کاپیتولاسیون، که حرمت یک سگ آمریکایی را از شاه ایران بالاتر برد. طی این قرارداد اگر یک آمریکایی در ایران جنایتی می کرد کسی حق نداشت او را مؤاخذه کند.

۹. تحقیر ایران به خاطر این باور؛ که مردم ایران عرضه ساخت یک آفتابه را هم ندارند؛ ولی امروز مردم ایران مرزهای علم را جابه جا می کنند.

۱۰. تحقیر ایران به خاطر تبدیل بازار ایران به بهترین بازار برای فروش بُنجل های غربی.

Behmani

۱۲- تبدیل ۸۰۰ هزار کشاورز ایران به خرده مالکان بی زمین و واردکننده کالاهای غربی به ایران با اصلاحات ارضی و سایر سیاست های اقتصادی غربی در کشور و تبدیل ایران از کشور صادرکننده گندم به یکی از بزرگ ترین واردکننده های گندم در جهان.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۹۹

۱۳- شکل‌گیری اولین حلبی نشین های ایران در شهرهای بزرگ بخصوص تهران از دهه ۱۳۴۰ به بعد و ایجاد اولین کارتن‌خواب‌ها در تاریخ ایران.

۱۴- ایجاد ۳۰۰۰ فاحشه‌خانه و کاباره در ایران و ده‌ها محله فاحشه نشین مانند شهرنو.

۱۵- کشتار بیش از ۴۰۰۰ شهید از مردم بی‌گناه ایران به‌مانند کشتار ۱۷ شهریور ۱۵ خرداد ۱۳ و ۲۸ مرداد و...

۱۶- تأمین ۶۵٪ نفت موردنیاز رژیم غاصب اسرائیل و حمایت مالی، نظامی و تسلیحاتی از این رژیم در جنگ‌های مختلف علیه فلسطینیان بخصوص جنگ ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ باوجود تحریم دیگر کشورها و همچنین کمک نظامی به کشتار مردم ویتنام.

۱۷- باوجود فروش بالای نفت در عوض ساخت زیرساخت‌ها کشور و توجه به مناطق محرومی همچون مرزنشینان و ... این پول‌ها را برای نوکری به‌صورت وام‌های بلاعوض به دیگر کشورها داده شد. همچون انگلیس برای تأمین آب شرب لندن

۱۸- هیچ‌گاه دهن‌کجی شاه و فرحش به ارزش‌های اسلامی مردم ایران ازجمله شراب‌خواری و رقص علنی آن دو با کارتر رئیس‌جمهور آمریکا و همسرش در محرم سال ۵۶ در روز تاسوعا را فراموش نخواهیم کرد.

۱۹- عقب‌ماندگی از نظر بهداشتی و استفاده از پزشکان هندوستان^۱

این‌ها جلوه‌های کوچکی از آن دروازه تمدنی هست که پهلوی دوم از آن یاد می‌کرد.

^۱ - کتاب زمینه‌ها، عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، دکتر مصطفی ملکوتیان.

شبهه ۲۲: هویدا بدون ویزا به ۷۲ کشور دنیا سفر می‌کرد.

هویدا قرار بود از سیستم بگوید... به قول ابراهیم یزدی، از دستگاهی که ۱۳ سال صدراعظم دوران طلائیش بود. او می‌خواست برملا کند تمام آن دورانی که چشم دنیا به اقتدار ایران بود. او می‌خواست بگوید چگونه شد که از شیره‌کش خانه به «دروازه تمدن بزرگ» رسیده بودیم... او قرار بود بگوید ملتی که کنار خیابان قاپ می‌انداخت و شپش از سر و رویش بالا می‌رفت و شد که به آنجا رسید که بدون ویزا به ۷۲ کشور دنیا سفر می‌کرد.

هویدا قرار بود بگوید چگونه ریال ایران جزء ۷ پول برتر دنیا شد. هویدا قرار بود بگوید که چه شد که بعد از ۵۷ سال سلطنت پهلوی، دنیا به مردم ایران تعظیم می‌کرد. کسی نمی‌داند کسانی که دیروز با بورسیه بنیاد پهلوی در بهترین دانشگاه‌ها دانشجوی بودند و عضو کنفدراسیون دانشجویان ناراضی ایران و امروز بعد از انقلاب از زیر قرآن به دیار غربت پناه برده‌اند، از صدقه‌سر دستگاهی بود که هویدا می‌خواست برملاش کند.

هویدا می‌خواست بگوید. او آماده اعتراف بود... اتفاقاً از تمام دنیا به مهندس بازرگان تلفن شده بود که هویدا نباید اعدام شود اما نمی‌دانم چگونه گلوله هادی غفاری از غیب، هویدا را برای گفتن حقیقت به سکوت کشاند!

دیروز که در خبرها شنیدم که ترکیه به تمام کارخانه‌ها و مراکز اقتصادی کشور مطبوعش دستور داده که اگر کارگر ایرانی برای حمالی استخدام کنید ۳۰۰۰۰ لیره ترک جریمه خواهید شد و به زندان خواهید رفت، بی‌اختیار دلم گرفت. به یاد روزهایی افتادم که من ایرانی، دانشجوی بودم و هر تابستان می‌توانستم از اروپا یک ماشین بخرم، سوارش بشوم و بدون گمرک و هیچ هزینه‌ای به همان سیستم کشور هویدا بازگردم.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ❖ ۱۰۱

به هر کشوری که می‌رفتم، من ایرانی ویزا سرخود بودم! چون پاسپورت ایرانی داشتم و وقتی به ترکیه می‌رسیدم کشور مخروبه‌ای بود که پسرپچه‌هایش بر بلندی به ماشین من سنگ می‌زدند! پلیس اش برای گرفتن یک پاکت سیگار به من التماس می‌کرد! و دختران زیبای ترک در استانبول به من می‌گفتن «افندی» تا ترغیب شوم از مغازه آنان سوغاتی بخرم و به کشورم بازگردم.

در تمام مسیر راهم که ۲۰۰۰ کیلومتر از خاک کشور ترکیه بود، همش نگران بودم از کشوری که مردمش هنوز با گاری و درشکه تردد می‌کنند، چگونه مرسدس بنز ۲۳۰ را که از کمپانی «دنزل» در وین اتریش خریده بودم به سلامت عبور دهم و پس از رسیدن به ایران نزد کدام صافکار و نقاش اتومبیل بروم که سنگ‌های کوبیده بر ماشینم را صاف و رنگ کند! ترکیه ده‌کوره‌ای بود که گذر از آن تمام دشواری راهم بود... از آن روز تا به امروز که ۴۰ سال گذشته، چقدر حقیر شده‌ام... کاش هویدا زنده بود و از آن سیستم می‌گفت...

پاسخ شبهه:

کاش هویدا می‌ماند و از ۱۳ سال صدارت افسانه‌ایش پرده‌گشایی می‌کرد... آنان که این دوره‌ی ۱۳ ساله‌ی تاریک را طلایی می‌بینند یا آن زمان از جنس مردم نبودند و یا در این زمان تاریخ نخوانده‌اند! حال هویدا که بود و چه کرد و چه شد؟ ابتدا مختصری از سرگذشت هویدا را یادآور می‌شویم:

الف- بیوگرافی هویدا

نوه‌ی میرزارضا قناد، شاگرد سید علی محمد باب (بنیان‌گذار بابیت) که حسینعلی بهاءالله (بنیان‌گذار بهائیت) را تا عکای اسرائیل همراهی کرد و اکنون قبرش کنار بیت العدل

۱۰۲ ♦ شب‌هاست بر تکرار انقلاب اسلامی

بهاییان در اسرائیل است. عضو گروه تمپلرها (هسته‌ی اولیه فراماسونرها) عضو شورای آمریکایی صهیونیستی (AZL) در دوره‌ی حضور در تشکیلات سازمان ملل در ژنو تا سال ۳۵ استاد پیشین لژ بزرگ فراماسونری ایران از سال ۴۷؛ و آنکه دوسوم عمرش در خارج از ایران سپری شد در حدی که نمی‌توانست زبان فارسی را به راحتی تکلم کند.



ب- عملکرد ۱۳ ساله‌ی هویدا:

دروغ بزرگی که از دوران صدارت هویدا نقل زبان‌ها شده، ثبات قیمت‌هاست! اما حقیقت چه بوده؟ آمار رسمی بانک جهانی نشان می‌دهد نرخ تورم در پایان نخست‌وزیری وی (سال ۱۳۵۶) نسبت به آغاز دوره‌ی صدارتش (۱۳۴۳) هفت برابر شده است؛ و حتی در یک‌ساله‌ی آخر این دوره، نرخ تورم سه برابر شده. پس دروغ به آن بزرگی، در این واقعیت نمی‌گنجد.

بخش سوم: شباهت فرهنگی اجتماعی ۱۰۳

فریبا دیبا (مادر فرح) در خاطراتش این گونه می نویسد:

«روی هم رفته در دوران نخست وزیری هویدا دو پدیده در مملکت ایران چشمگیر شد و رخ‌نمایی کرد؛ یکی هم‌جنس‌بازی و دیگری افزایش بهایی‌گری «همه‌ی اسناد ساواک و ادعای بسیاری از سران دربار پهلوی (همچون اردشیر زاهدی)، گواه آن است که وی هم‌جنس‌باز بوده و دلیل طلاق گرفتن همسرش از وی، به همین دلیل بوده است. ترویج بهایی‌گری توسط هویدا»

فرح دیبا در مصاحبه با در رادیو لس‌آنجلس اعتراف کرد:

«هویدا مرتباً به شاه القا می‌کرد که اسلام دین اعراب است و بهائیت دین ایرانی است و اسلام را از قانون اساسی لغو کنید. بهایی‌گری هویدا به‌اندازه‌ی بود که غالب اطرافیان خود را از بهاییان برگزیده بود و بسیاری از بهاییان را بر سمت‌های حساس کشوری گمارده بود»

شبهه ۲۳: برای چی انقلاب کردیم پدر

از پدرم پرسیدم برای چه انقلاب کردید؟

پاسخ داد: پسر من برای اسلام

گفتم:

مگه آن وقت‌ها نماز نمی‌خواندی؟

چرا. می‌خواندم

مگه مسجد نمی‌رفتی؟ بله می‌رفتم

مگه مکه نمی‌رفتی؟ بله می‌رفتم

۱۰۴ ❖ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

مگه محرم تکیه و دسته نبود؟ بله بود.

مگه مادرم حجاب نداشت؟ چرا داشت.

مگه سود و نزول بد نبود؟ بد بود.

مگه ناموس محلمان حرمت نداشت؟ چرا زیاد داشت.

مگه صدای اذان از رادیوپخش نمی شد؟ چرا می شد.

گفتم خب پس چه تغییری ایجاد کردید؟

کمی درنگ کرد و هیچ پاسخی نداشت!؟

پاسخ شبهه:

پسر نازنینم:

از عصر جمهوری اسلامی گفتم و مشکلات آن. پسرم برخی ادعاهایت را قبول دارم و انکار مشکلات دروغ و حماقتی بیش نیست، همان طور که سیاه نمایی نیز خیانتی بیش نیست. امام راحل در وصیت نامه شان نوشتند:

هیچ کس مدعی نیست بعد از انقلاب توانسته ایم اسلام کامل را اجرا کنیم.

اما پسرم ای کاش شنیده هایت از زمان شاه را می دیدی! پسرم بدان که از اسلام برایت کاریکاتوری بیش طراحی نکرده اند. اگر اسلام در نماز و روزه و اذان و حج خلاصه شده، اهل نهروان و بنی امیه دین داران بودند و نیاز به سیف علی (ع) و قیام حسین (ع) نبود.

پسر نازنینم:

اذانی که فقط بیدارت کند ولی بیدارت نکند. اذان بلال نیست، سمفونی بی‌محتوایی است که در کاخ یزید و مأمون و آل سعود و در فارسی وان! هم نواخته می‌شود.

نازنینم:

بله در آن زمان عده‌ای! نماز می‌خواندند ولی اقامه نمی‌کردند. نماز بدون جهاد و دشمن‌شناسی و استکبار و طاغوت ستیزی و تولی و تبری هنر بی‌ارزش تشیع لندنی است نه تشیع غیور علوی و ایرانی زیر پرچم حکومتی ایاک نعبد را زمزمه می‌کردیم که قبله‌اش کاخ سفید بود و خدایشان روزولت و نیکسون و آیزنهاور...

پدرت به مسجدی می‌رفت که مجاهدان انقلابی‌اش و غفاری‌ها و سعیدی‌ها زیر شکنجه‌های ساواک با خون غسل شهادت می‌کردند؛ و بر منبرش کاهنان معبد بوسیدن دست فرح، کودتای ۲۸ مرداد، کاپیتولاسیون، جدایی بحرین و ظلم شاه را توجیه می‌کردند و یا مقدس‌مآبان بر جدایی دین از سیاست می‌کوبیدند.

حج بود ولی در حج ابراهیمی، تبر براثت پدرت بر گردن بت استکبار و استبداد نمی‌خورد چراکه خود پهلوی بت استبداد و رقاوه استکبار و اسرائیل بود و دشمن فلسطین و مظلوم.

پسرم قانون کشف حجاب میراث شوم پهلوی بود. پدرت انقلاب کرد تا بهای تحصیل و پیشرفت مادرت و ناموست برهنگی نباشد.

عزیزم اربابان کازینو و رقاوه‌های محل حرمت داشتند ولی به‌دروغ به تو گفته‌اند که ناموس غیور محلت حرمت داشت.

۱۰۶ ❖ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

پسرم تکیه و دسته بود ولی مرحوم شریعتی زیبا می نویسد:

**در عجبم از مردمی که خود زیر شلاق ظلم و ستم زندگی می کنند
اما برای حسینی که آزاده زندگی کرد می گیرند.**

پسر عزیزم: نیاز نیست برای بی‌نمازی، بی‌زاری از حج، ترس از پلیس پرخاش کنی و لگزدن قهری به شکم مادرت را مذمت کنی...

نازنینم بخشی از این‌ها نشانه‌هایی از لگزدن فرهنگ غربی دشمنان اسلام و حامیان دیروز پهلوی به ایمان جوان عزیزم است که قهری هم نیست. پسرم کار شیطان ابلیس و شیطان بزرگ سیاه‌نمایی و نا امید کردن است. پسرم این فراز از وصیت‌نامه امام راحل را بارها بخوان:

**«آقایان اگر توقع دارید که در یک‌شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند
تعالی متحول شود یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای
روی نداده است و نخواهد داد؛ و آن روزی که ان شاءالله تعالی مصلح کل ظهور
نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یکروزه عالم اصلاح شود»**

پسرم اکنون: از تصاویر همت‌ها و کاوه‌های دیروز و شهدای جوانان مدافع حرم درس مردانگی و همت بگیر... از پیکر اربا اربای حاج قاسم و تشییع میلیون‌ها ایشانی، درس مقاومت، ولایتمداری، مردانگی، شجاعت و انقلابی‌گری. از دختران عفیف و پسران غیور ولایی درس عفت و غیرت بیاموز

از جماعت جوانان معتکف درس: دین‌داری. از شهرداری‌ها و احمدی‌روشن‌ها و کاظمی‌آشتیانی درس: علم‌آموزی. از حسن‌تهرانی مقدم درس: ما می‌توانیم.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ❖ ۱۰۷

از ابو مهدی المهندس ها و قندچی ها و جوانان انقلابی که کم هم نیستند درس: استکبارستیزی. از رهبرت درس: ایمان و آزاداندیشی و بصیرت. از عاقبت فتنه گران، روشنفکر نمایان و صادق هدایت‌ها: درس عبرت. از شاهرخ ضرغام درس: توبه



شبهه ۲۴: هیچ احساسی ندارم

امام خمینی (ره) در دوازده بهمن‌ماه، وقتی گزارشگر در داخل هواپیما پرسید؟ احساس شما به ایران چیه؟ گفتند هیچ ... آیا این دلیل بر بی‌برنامه بودن ایشان نیست؟

پاسخ شبهه:

آن «هیچ» مبنای نظری «همه‌چیز» انقلاب اسلامی است. اگر امام (ره) می‌گفت آمریکا «هیچ» غلطی نمی‌تواند بکند این از همان «هیچی» آب می‌خورد، اگر برای حاج همت «هیچ» فرقی نداشت که بکشد یا کشته شود، این باز از همان «هیچی» آب می‌خورد و تربت پاک شهیدان ما که تا روز قیامت دارالشفای آزادگان جهان و مزار دل‌سوختگان و عاشقان و عارفان است و نه هیچ تربت دیگری، این باز از همان جا آب می‌خورد و اگر در «هیچ» کجای جهان بی‌نام خمینی (ره) این انقلاب را نمی‌شناسند، این به همان

۱۰۸ ♦ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

«هیچی» برمی‌گردد و اگر «هیج» شیطانی حریف ولی فقیه نیست این باز به آن «هیچی» برمی‌گردد. راستی روزی چند بارمی گوئی «لا اله الا الله»؟

گفته شده که وقتی خبر سقوط خرمشهر را به امام (ره) دادند امام (ره) بین نماز مغرب و عشاء بود. وقتی شنید، گفت: «جنگ است دیگر!» لذا امام (ره) ما همان امامی است که نه تنها از بازگشت به وطن «هیج» احساسی نداشت، از سقوط خرمشهر هم «هیج» احساسی به او دست نداد؛ و اگر بخواهیم او را بهتر بشناسیم لازم است بدانیم که او فرزند حسین (ع) است که وقتی سر به تیغ بلا سپرده بود «هیج» احساسی نداشت و پیرو ابراهیم (ع) است که وقتی داشتند او را به آتش می‌انداختند «هیج» احساسی نداشت.

اگر فکر کرده‌اید که ما می‌توانیم مبانی نظری آن «هیچی» را که امام (ره) در پاسخ آن خبرنگار فرموده توضیح بدهیم، سخت در اشتباهیم! اما شکی در این گفته عرفا نداریم که همه عالم را همین گمراه کرده که مردم دوستان خدا را با خودشان مقایسه کرده‌اند:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه ماند در نوشتن شیر، شیر

جمله عالم زین سبب گمراه شد کم کسی ز ابدال حق آگاه شد



بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۱۰۹

اما اگر خواستیم و خواستید بدانید امام (ره) از کدامین جرگه است کافی است بدانیم و بدانید درحالی که وقتی رنگ ماشین من و شما خراش برمی دارد، دل من و شما هم خراش برمی دارد، دل این جرگه از فزع روز قیامت هم تکان نمی خورد؛ «لا یحزنهم الفزع الاکبر»؛ و اگر خواستیم و خواستید بفهمید که «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم» یعنی چه، اول لازم است بدانیم و بدانید که والله امام (ره) از بازگشت به وطن «هیچ» احساسی نداشت!

او حتی وقتی داشت می رفت هم «هیچ» احساسی نداشت و نوشت که با «قلبی مطمئن» می رود و قلب مطمئن همان است که صاحبش را امر به «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» می کند و این بهشت کمی فرق دارد با بهشتی که گلابی های بزرگ دارد!

شبهه ۲۵: اقتدار رضاشاه

به رضاشاه گفتند: کرایه درشکه خیلی گران شده. لباس مبدل شخصی پوشید، رفت میدان توپخانه. به یه درشکه چی گفت: آهای تا شمرون چقدر می گیری؟ درشکه چی بدون اینکه بشناسه گفت: ما به نرخ دولتی کار نمی کنیم.

رضاشاه: ۵ شاهی؟ یارو: برو بالا

رضاشاه: ۱۰ شاهی؟ یارو: برو بالا

رضاشاه: ۱۵ شاهی؟ یارو: برو بالا

رضاشاه: ۳۰ شاهی؟ یارو: بزن قدش

سو ارشد. یارو نگاهی به رضاشاه انداخت

۱۱۰ ♦ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

گفت: سربازی؟ رضاشاه: برو بالا

یارو: گروهبانی؟ رضاشاه: برو بالا

یارو: افسری؟ رضاشاه: برو بالا



پاسخ شایعه:

این یک داستان سازی جعلی دیگر برای تطهیر چهره منفور و غیرمردمی حکومت پهلوی است، حتی اگر هم واقعی باشد، نشانگر خشونت و بی‌رحمی و دیکتاتور منشی اوست که به خاطر گران کردن کرایه درشکه، فردی را بدون محاکمه و وکیل و دادگاه، حکم اعدام می‌دهد.

اما به داستان واقعی از شجاعت و خدمات رضاخان:

یه روزبه رضاشاه گفتن متفقین وارد ایران شدند؛ و دارند تا تهران میان. باید زودتر فکری کنی، اوضاع خیلی خرابه.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ❖ ۱۱۱

گفت: نخست‌وزیر رو عوض کردم. گفتند: برو بالا.

گفت: همه وزرا را یکجا برکنار کردم. گفتند: برو بالا.

گفت: دستور دادم رابطه‌مان را با آلمان قطع کنیم. گفتند: برو بالا

گفت: همه سربازها رو فرستادم خونه هاشون گفتند: برو بالا

گفت: بیان از ایران به هر جا خواستند حمله کنن. همه جاده‌ها و امکاناتمان مال اونا

گفتند: برو بالا

گفت: عین نوکر سرم را می اندازم پایین و هر جا که بگن میروم. اصلاً میرم آفریقای

جنوبی تا همونجا بمیرم. گفتند بزن قدش

شایعه ۲۶: راه‌آهن رضاشاه بزرگ‌ترین خدمت به ایران و ایرانی

ساخت راه‌آهن توسط رضاشاه؛ بزرگ‌ترین خدمت به ایران و ایرانی بود.

پاسخ شایعه:

۱- راه‌آهن سراسری ایران در حقیقت یک خط آهن نظامی برای امپراتوری انگلیس بود و نه یک‌راه آهن تجارتي و ترانزیت یا مسافرتی برای ایرانیان.

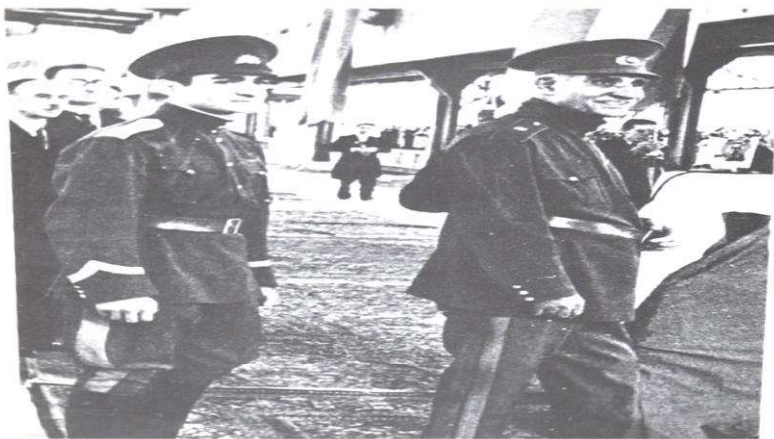
۲ - امپراتوری انگلیس از این‌گونه راه‌آهن‌ها در همه مستعمرات خود از جمله هند و مستعمرات آفریقایی ساخته بود و این خط آهن نیز یکی دیگر از آن‌ها به شمار می‌رفت. زرنگی بزرگ انگلیسی‌ها در این مورد آن بود که برای ساختن این راه‌آهن حتی یک لیره خرج نکرد.

نظامیان انگلیس بهترین نقطه برای حمله‌ای احتمالی به شوروی را ناحیه صحراهای مسطح و کم‌جمعیت ترکمنستان و قزاقستان تشخیص می‌دادند و لذا به رضاخان تحمیل نمودند تا راه‌آهن را به آن ناحیه برساند تا در حداقل زمان و کوتاه‌ترین مسیر ممکن خود را از خلیج فارس به شوروی برساند و با ساختن بندری کوچک در نقطه انتهایی راه‌آهن سراسری در جنوب شرقی دریای خزر، قطعات کشتی‌های جنگی خود را سریعاً به دریای خزر رسانده و با ساخت آن، دریای خزر را در اختیار بگیرند.

۳- لذا دولت بریتانیا از همان ابتدا اعتقاد داشت که این خط آهن از شمال به جنوب کشیده شود تا بتواند جهت حمله احتمالی به روسیه و سپس شوروی پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ استفاده شود.

۴- مهدی قلی هدایت (مخبرالسلطنه) در کتاب «خاطرات و مخاطرات» خود درباره طرح احداث خط آهن محمره (خرمشهر) به جز (بندر گز) می‌نویسد:

«اول اسفند ۱۳۰۵ من پیشنهاد راه‌آهن را به مجلس بردم. من الغرائب، مصدق السلطنه مخالف شد که در عوض، قند سازی باید دایر کرد. راه‌آهن منافع مادی مستقیم ندارد. گفتم از راه‌آهن منافع مادی مستقیم منظور نیست. منافع غیرمستقیم راه‌آهن بسیار است. نظمیة یا نظام هم منافع مادی ندارد، ضروری مصالح مملکت‌اند. قند هم به‌جای خود تدارک خواهد شد و اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند.»



دکتر مصدق اعتقاد داشت که هزینه و زمان اجرای چنین طرحی توجیه اقتصادی و فنی ندارد.

۵- دنیس رایت در کتاب «انگلیس‌ها در میان ایرانیان» می‌نویسد:

«تا پایان دوره قاجار هیچ خط آهن طول‌المسافتی در ایران کشیده نشده بود، در نتیجه هیچ‌گونه قصوری که از جانب بریتانیا باشد، نبود. جولپوس دو رویتر از میان جنبه‌های متعدد امتیاز وسیع و همه‌جانبه‌ای که در سال ۱۸۷۲ از شاه کسب کرده بود، در وهله نخست به راه‌آهنی دل بسته بود که امید داشت بین دریای خزر و خلیج فارس بکشد. دولت بریتانیا از خطری که روسیه را متوجه ایران ساخته بود، بیش‌ازپیش نگران شده بود. سخت عقیده داشت که چنانچه

راه‌آهنی بین خلیج فارس و درون ایران موجود نباشد، کمک نظامی بریتانیا به ایران در صورت حمله روسیه از شمال غیرممکن خواهد بود.»^۱

شبهه ۲۷: بهترین‌های ایران در دوره پهلوی

- ۱- آیا می‌دانستید سال ۱۳۵۵ تهران سومین پایتخت پاکیزه جهان شد؟
- ۲- آیا می‌دانستید سال ۱۳۵۴ هواپیمایی ایران هما دومین خط برتر هواپیمایی جهان و اولین در آسیا شد؟
- ۳- آیا می‌دانستید سال ۱۳۵۲ ایران به‌عنوان آزادترین کشور جهان در زمینه انتخاب دین و مذهب و پوشش شد؟
- ۴- آیا می‌دانستید سال ۱۳۵۳ ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد در آسیا شد؟
- ۵- آیا می‌دانستید ایران از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ رشد اقتصادی دورقمی داشت و تورم یک درصد؟
- ۶- آیا می‌دانستید در سال ۱۳۵۲ ایران تنها کشور در آسیا بود که پاسپورتش در بیش ۹۰ کشور نیاز به ویزا نداشت؟
- ۷- آیا می‌دانستید از سال ۱۳۵۳ به بعد بیش از ۹۸ درصد مردان ایرانی بالای ۲۳ سال دارای شغلی اجتماع پسند با درآمدی برای یک زندگی معمولی و شاد بودند؟
- ۸- آیا می‌دانستید سال ۱۳۵۶ ایران قدرتمندترین نیروی هوایی آسیا و سومین در جهان را داشت؟

^۱ - www.taraznews.comory/92-07/14.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۱۱۵

۹- آیا می‌دانستید سال ۱۳۵۵ سپهبد نادر جهانبانی برترین خلبان جنگنده جهان شد؟

۱۰- آیا می‌دانستید ایران در سال ۱۳۵۲ با پرواز تنها یک جنگنده بر فراز اروندرود آبادان صدام را وادار به امضای معاهده الجزایر و پذیرش تمام شروط ایران کرد؟

۱۱- آیا می‌دانستید مردم ایران از سال ۱۳۵۷ با تمام قدرت گند زدن تو این دستاوردها؟

پاسخ شبهه:

مطالب ذکر شده سراسر دروغ و پر از تناقض است. اصولاً وقتی کشوری این‌همه رفاه و شادی و پیشرفت داشته باشد، به چه دلیل مردمش باید انقلاب کنند. یکی از نشانه‌های کذب آلود بودن این نوشته، بند ۱۰ نوشته است، زیرا نویسنده حتی مقداری فکر یا مطالعه نکرده که در سال ۱۳۵۲، اصلاً صدام بر عراق حکومت نمی‌کرد، بلکه رئیس‌جمهور عراق در آن زمان حسن البکر بود.

مضافاً اینکه، بفرض محال که اطلاعات مندرج در این دروغ نامه صحیح باشد، وقتی یک رژیم، عزت، استقلال و منافع ملی را به تاراج بگذارد، چه سودی دارد. سپهبد جهانبانی هرچند خلبان ماهری بوده، اما چنین چیزی در کارنامه او وجود ندارد. در ویکی‌پدیا دودسته خاطرات برای وی نقل می‌شود؛ خاطرات درست و نادرست، خاطره مذکور حتی جزو خاطرات نادرست نیز وجود ندارد. چندی قبل، فرزند ایشان در مصاحبه با دویچه وله (رادیو دولتی آلمان) نیز این‌گونه مطالب را تکذیب کرد و انتشار این‌گونه مطالب را تخریب چهره پدر خود دانست. اخیراً نیز در فضای مجازی، فیلم نمایش یک هواپیما در آسمان را به فرزند نادر جهانبانی نسبت می‌دهند که آن نیز صحت ندارد.

۱۱۶ ❖ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

در مورد پاکیزگی تهران و شاغل به شغل آبرومند و شاد. این عکس که از یکی از حلبی‌آبادهای تهران قبل از انقلاب است، شاهد گویایی است.



اما سفر بدون ویزا به ۹۰ کشور اولاً: در هیچ منبع و مستندی وجود ندارد، ثانیاً وقتی ۹۹، ۹٪ مردم نتوانند به خارج مسافرت کنند چه سود؟ و ثالثاً در همان موقع ژاپن با ۱۷۰ کشور بدون ویزا پیشتاز بوده است. پس این بند از شبهه نامه نیز سراسر کذب و دروغ محض است.

شبهه ۲۸: انرژی هسته‌ای دستاورد پهلوی

خوب است تاریخ ایران را با دقت بیشتری بخوانیم. در سال ۱۳۲۱ کشور ایران وزیر امور خارجه‌ای داشت به نام عباسعلی خلعتبری^۱. انقلاب شد او در ایران ماند، دستگیرش کردند و برای وی دو جرم مطرح و محاکمه شد:

^۱. عباسعلی خلعتبری (زاده ۱۲۹۱ در تهران - درگذشته ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ در تهران) وزیر امور خارجه در دولت‌های امیرعباس هویدا (از شهریور ۱۳۵۰ تا مرداد ۱۳۵۶) و جمشید آموزگار (مرداد ۱۳۵۶ تا شهریور ۱۳۵۷) بود.



۱- امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که حدود مرزی ایران و عراق در اروندرود را مشخص می‌کرد.

۲- قرارداد احداث نیروگاه اتمی بوشهر.

در دادگاه محکومیتش، برپایه این استدلال بود که ایران با داشتن منابع نفت و گاز نیازی به نیروگاه اتمی ندارد و این عمل مصداق تزییع حقوق بیت المال می‌باشد. سرانجام در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ دادگاه انقلاب، وی را مفسد فی الارض شناخت و در همان روز اعدام شد. در پایان جنگ رسیدیم به قرارداد ۵۹۸ با عراق که یکی از درخواست‌های دولت ایران عمل به مفاد قرارداد ۱۹۷۵ بود؛ و دیگری که تاکنون داریم درباره آن مذاکره می‌کنیم که انرژی هسته‌ای حق مسلم ما است.



پاسخ شایعه:

۱- طبق روال جاری شایعات و شبهات پیرامون انقلاب اسلامی، این ادعاها بدون منبع منتشر شده است! در هیچ منبع معتبری هم از آن ذکری نشده است و لذا فاقد اعتبار هست.

۲- در کیفرخواستی که رئیس دادگاه به صورت خلاصه قرائت کرده آمده است:

آقای خلعتبری شما متهم هستید به فساد در زمین، قیام علیه حاکمیت ملی، عضویت در هیئت حاکمه ضد ملت، وزیر خارجه و عضو ارشد آن حکومت، شما شریک جرم آن حکومت بودید که به دست امپریالیست‌ها و اربابان آمریکایی اداره می‌شد، استخدام عناصر ساواک و سیا در وزارت خارجه و... و ذکری از انرژی هسته‌ای و قرارداد الجزایر نشده است. ۱

۳- قرارداد الجزایر و هر قرارداد دیگری که با منافع ملی ایران منافات نداشت، پس از انقلاب نیز مورد پیگیری بود.

۱ - روزنامه کیهان، ۲۳ فروردین ۱۳۵۸، ص ۲.

بخش سوم: شباهت فرهنگی اجتماعی ♦ ۱۱۹

۴- در متن شبیه چنان بیان شده که صرفاً آقای خلعتبری مسئول قرارداد بوده است و اشاره به نقش الجزایر به عنوان میانجی و سایر متصدیان داخلی و بین‌المللی نشده است!

۵- ادعاهایی که در مورد مخالفت بانرژی هسته‌ای در ابتدای انقلاب مطرح شده، دیدگاه نظام نبوده و ادعای افراد غیرمسئول بوده است. چنانچه در همان سال‌های آغازین پیروزی، نظام درصدد احقاق حقوق خود و احیای قراردادهایی که با طرف‌های غربی بسته شده بود برآمد.^۱

شبیه ۲۹: تاج رفت عمامه آمد

ای کسانی که انقلاب کردید. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- ۱- تفاوت «حضرت‌والا» و «حضرت آقا» را توضیح دهید!
- ۲- دو کلمه "مقام عظمای ولایت" و "شاهنشاه آریامهر" را تعریف کنید!
- ۳- معنی عبارت‌های "جانم فدای رهبر" و "جان‌نثار" را به‌طور خلاصه شرح دهید!
- ۴- دو کلمه "بیت" و "کاخ" چه تفاوت‌هایی دارند؟!
- ۵- تفاوت دو گروه "عاشق ولایت" و "فدوی" را در چند سطر توضیح دهید!
- ۶- "بنیاد پهلوی" و "بنیاد علوی" چه تفاوتی دارند؟
- ۷- جمله "سلطنت عطیه‌ای است الهی" چه رابطه‌ای با عبارت "مقام عظمای ولایت جانشین امام زمان" دارد؟

^۱ - <http://www.siasi.porsemani.ir/content/>

۱۲۰ ♦ شبهات بر تکرار انقلاب اسلامی

۸- تفاوت " رأی ملوکانه " با " حکم حکومتی " کدام است؟

۹- فرق "شاهرود" با "امام رود" را بیان کنید.

۱۰- "بندر امام" با "بندر شاه" چه تفاوتی دارد؟

و نهایتاً فرق عمامه با تاج چیست؟

پاسخ شبهه:

۱- حضرت والا می گفت من ظل الله (سایه خدا) هستم، حضرت آقا میگه من بنده خدا هستم.

۲- مقام عظمای ولایت، یعنی ما اهل «ولایت الله» هستیم که تسری دارد در ولایت پیامبر اکرم و اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین و هم چنین ولایت فقه الهی و بالتبع ولایت فقیه - اما شاهنشاه، یعنی شاه شاهان! حالا چه کسی گفته که آریامهر شاه تر از کوروش و داریوش و نادر و ... بوده است؟! پس نه معنای "ولایت" با "پادشاهی" یکی است و نه مصداق شخص آریامهر مناسب لقب "شاهنشاهی" می باشد.

۳- جانم فدای رهبر، یعنی حاضریم در رکاب کسی که جامعهی اسلامی را طبق امر خدا رهبری می کند، فدا کنم - یعنی همان «بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي» که حتی مقامی چون امام حسین علیه السلام به حضرت ابوالفضل العباس می گوید. پدر و مادرم فدات، یعنی حاضریم هر چه دارم در رکاب تو که با چنین اخلاصی در راه خدا هستی بدهم. اما «جان نثار» لفظی است که معمولاً به دروغ جهت چاپلوسی مقابل یک مقام طاغوتی گفته می شود.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ❖ ۱۲۱

۴- بیت یعنی خانه، خانه‌های فقرا. ولی کاخ معمولاً یعنی قصر مجلل. که شبیه آن را هیچ‌کس به‌جز شاه ندارد!

۵- عاشق ولایت، عاشق خدا و اسلام است؛ اما فدوی عاشق چشم و ابرو و مال و مقام شاه.

۶- بنیاد پهلوی متعلق به خانواده سلطنت بود و بعد از انقلاب متعلق به مستضعفین شد. (همان بنیاد علوی)

۷- وقتی گفته می‌شود "سلطنت عطیه‌ای الهی"، آن سلطنت به خدا نسبت داده می‌شود، درحالی‌که یک افترا و دروغ بزرگ به خداست. خداوند متعال چنین سلطه و سلطنتی را به طواغیت نداده است. اما "مقام عظمای ولایت، جانشین امام زمان"، هیچ ربطی به سلطنت و سلطه شخص ندارد. بسیار تفاوت است بین معنای «سلطنت» بامعنای «ولایت». کسی که سلطنت دارد، خودمختار است، اما کسی که ولایت دارد، سرپرستی دارد. اگر سرپرستی‌اش در راستای "ولایت الله" بود، می‌شود "ولایت الهی" و اگر در راستای "ولایت طاغوت" بود می‌شود ولایت و سرپرستی طاغوتی.

۸- رأی ملوکانه را هوا و هوس شاه صادر می‌کند. حکم حکومتی برای حل بن‌بست‌ها بر اساس حکم قرآن و شرع است.

۹ و ۱۰- شاهرود و امام رود و بندر شاه و بندر امام و ... همه اسم هستند، هرکسی اسم محبوبش را برمی‌گزیند. یکی نام فرزندش را می‌گذارد محمد، علی، فاطمه، زینب، رضا، ابوالفضل، یوسف و ... - دیگری می‌گذارد فتانه، شیرین، فرهاد، رستم و ... - دیگری می‌گذارد ضحاک، یزید و ... در نام‌گذاری اماکن و معابر نیز همین است. یکی نام بازار یا خیابان شهرش را "ابوسفیان" یا "کندی" یا "لنین" می‌گذارد - دیگر بازار

۱۲۲ ❖ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

الرضا یا بندر امام می‌گذارد. هرکدام محبوب خود را نشان می‌دهند و نشان او را برای خود انتخاب می‌کنند.

و نهایتاً فرق عمامه با تاج؟

عمامه لباس پیغمبر است، ولی تاج سمبل ستمگران و متکبران. این کجا و آن کجا.

شبهه ۳۰: پهلوی هم اگه بود همین کارها را می‌کرد.

چرا الآن را با چهل سال قبل مقایسه می‌کنید و آیا رژیم پهلوی اگر بود همین کارها را انجام نمی‌داد؟

پاسخ شبهه:

این مسئله سؤال مهمی است و جواب دقیقی هم دارد! رژیم پهلوی بیش از نیم‌قرن فرصت داشت تا کشور را بسازد، خب طی این نیم‌قرن و درحالی‌که نه تحریم و نه دشمنی داشت و جمعیت کشور یک چهارم الآن بود، چه دستاوردهای داشت؟ مثلاً در عرصه کشاورزی، محرومیت‌زدایی، بهداشت و... کشور چقدر پیشرفت داشت؟ فقط هم این داستان نیست؛ چقدر ایران مستقل شد؟ چقدر خودکفا شد؟ چقدر در دنیا شأن و اقتدار پیدا کرد؟ چقدر برای مردم آزادی و عدالت ایجاد کرد؟ چقدر حق انتخاب و تعیین سرنوشت فراهم کرد؟

انقلاب اسلامی چهل سال فرصت داشته اما یک‌چهارم این زمان درگیر جنگ بوده، تمام این مدت تحریم بوده، جنگ روانی و جنگ فرهنگی علیه آن به راه انداخته‌اند اما دستاوردهای این چهل سال حداقل چهل برابر آن ۵۳ سال است! منصف و حق جو باشیم. ثروتی که تنها توسط یک خانواده از سرمایه‌های ایران ربوده شد (به گواه اسناد): آنچه اشاره می‌کنیم تنها گوشه‌ای از آمار غارت‌هایست که آشکار شده.

بخش سوم: شیفات فرهنگی اجتماعی ♦ ۱۲۳



۱- خارج کردن دارایی بصورت ارز از کشور:

طبق اعلام دادستانی در زمان شریف امامی: ارز خروجی توسط شخص

اعلیحضرت تاکنون ۳۱ میلیارد دلار بوده.^۱

۳۵ میلیارد دلار سرمایه خارج شده توسط شاه ایران به صورت ارز، این

به غیر از سهام و املاکش در خارج است.^۲

^۱ - اردشیر زاهدی، داماد شاه و وزیر خارجه و سفیر پهلوی در سازمان ملل- در کتابش «۲۵ سال در کنار پادشاه».

^۲ - فایننشال تایمز آمریکا.

۱۲۴ ❖ شبهات بر تکرار انقلاب اسلامی

انتقال ۴ میلیارد دلار در دو سال آخر پهلوی (۵۶-۵۷)، تنها به بانک‌های

آمریکا.^۱

خروج ۱۳ میلیارد دلار ارز از کشور، تنها در دوماه شهریور و مهر ۵۷ توسط

مقامات حکومتی و دولتی.^۲

۲- خرید اوراق بهادار در خارج، توسط شاه، با ارزش بیش از یک میلیارد دلار.^۳

۳- خارج کردن ۳۸۴ صندوق و چمدان بزرگ از طلا و جواهرات و دلارهای نقد موقع فرار ۲۶ دی ۵۷.

بعد از خارج کردن جواهران، به دستور شاه، یک شرکت به نام «استون استار» در «مجمع الجزایر آنتی لیس» از مستعمره‌های هلند تأسیس شد تا این جواهرات را به فروش برساند.^۴

۴- خرید املاک در خارج از کشور، با پول ملت ایران:

خرید یک جزیره در اسپانیا به مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار - سال ۱۳۵۰^۱

^۱ - فریدون هویدا، برادر عباس هویدا نخست وزیر پهلوی، سفیر دائم پهلوی در سازمان ملل - در کتابش «سقوط شاه» + روزنامه نیویورک تایمز در ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ باستناد منابع بانکی جهان.

^۲ - گزارش بانک مرکزی پهلوی در ۱۵ آذر ۵۷.

^۳ - فریدون هویدا در کتاب سقوط شاه.

^۴ - عباس میلانی در کتاب نگاهی به شاه.

بخش سوم: شبهات فرهنگی اجتماعی ۱۲۵

ساختمانی برای بنیاد پهلوی در نیویورک (آونو پنجم خ ۵۲)، به مبلغ ۱۴/۵ میلیون دلار - سال ۱۳۵۴

ملکی بزرگ در دامنه کوه‌های راکی آمریکا، به مبلغ یک میلیون پوند انگلیس.

خرید قصر باغ‌های استیل مأنس لندن

خرید باغ ویلاهای بزرگ در ناپل ایتالیا و کاپری

خرید کاخ معروف گل سرخ در ژنو

قصری مجلل در سنت موریس سوئیس

۵- دریافت رشوه‌های کلان در قبال خرید انواع تجهیزات نظامی و صنعتی از شرکت‌های غربی:

یک نمونه برای مثال: هفته‌نامه آلمانی «فوکوس» نوشت: شخص شاه، برای خرید ۶ فروند زیردریایی از آلمان، ۱۰۹ میلیون مارک رشوه دریافت کرد.

۶- غارت املاک و مستغلات در داخل ایران: (بر اساس آرشیو مرکز اسناد کشور)

سندیت برخی از این روستاها و مراتع و زمین‌های ذیل توسط رضاخان به نام محمدرضا شده بود و برخی نیز توسط خود محمدرضا.

^۱ - روزنامه دیلی اکسپرس لندن در ۲۸ مارس ۱۹۷۸.

۱۲۶ ❖ شبهات پر تکرار انقلاب اسلامی

عمدتاً در سواحل دریای خزر، قسمتی در کرمانشاه، آذربایجان، خراسان بودند
(بادرآمدسالانه ۸۸ میلیون ریال)

۱۲۷۷ ده بصورت کامل

۷۰۶ ده بصورت قسمتی از آنها

۱۹۷۵ مرتع و مشاعاً ۲۲۸۱ قطعه مستغلات

برای مثال: ۳۷۰۰ هکتار از زمین‌های دشت ناز در ساری (۱۸ کیلومتری دریا) به نام
عبدالرضا پهلوی، برادر شاه، زده شده بود. دکتر ولیان می‌نویسد:

درسالهای ۳۹-۴۰، شاه، ۵۱۷ ده به مساحت ۲۰۰ هکتار به بهای گزاف

به دهقانان فروخت

فایننشال تایمز می‌نویسد:

**طبق اسناد موجود، شاه، در سال ۵۷ قبل از خروج، توانست ۲۲۰ هکتار از
املاکش را بفروشد.**

این‌ها گوشه‌ای از غارت و چپاول ثروت ملی ایران توسط خانواده‌ی سلطنتی پهلوی
است. ثروتی که با آن، چندین دهه است که کل خاندان پهلوی و درباریان و وابستگان
پهلوی، همه و همه در کشورهای خارجی، به صورت اشرافی و اعیانی ارتزاق می‌کنند و
تمامی ندارد. ثروتی که با آن، بودجه‌ی همه‌ی شبکه‌های تلویزیونی سلطنت طلب تأمین
می‌شود.

شبیه ۳۱: اقتدار ایران در دوره پهلوی

اولین شاه ایران که شاه ۶۰ کشور پشتش راه رفتن. هیچ کشور عربی حق فروش یک لیتر نفت بدون اجازه شاهنشاه نداشته. رئیس اوپک به همراه امریکا. دوران پهلوی چنان اقتداری بود که دکتر علی خلعتبری کاندیدای ریاست سازمان انرژی هسته‌ای بر عهده گرفت و آمریکا قول ساخت ۳۰ نیروگاه هسته‌ای به ایران داد. احترام نظامی بعد از دیدن عکس اعلا حضرت بروی پاسپورت در ۶۰ کشور جهان. چنان قدرتی بر ایران حاکم شد پس از کردن نفت از بشکه‌ای ۲ دلار به ۷ دلار که کل جهان در مقابل شاهنشاه ایران سر خم کردند همان شاهی که احمق‌ها بهش نوکر امریکا می‌گفتند. قطع رابطه با شوروی تزاری به دلیل خیانت به ایران. وقت‌های ملاقات برای کشورهای عربی زیر ۴ ماه نبوده.

